

بررسی ارتباط خدا و انسان در مصیبت نامه عطار و هفت اورنگ
جامی

زهرا قزلسغلی: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه
زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی،
مشهد، ایران¹

اکبر شعبانی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد
نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران² (نویسنده
مسول)

محمدفاضلی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد،
دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

چکیده

انسان، خدا و رابطه‌ی متقابل آن‌ها با هم یکی از موضوعات بسیار بنیادی در ادبیات عرفانی است. شاعران عارف به عنوان دارندگان روح لطیف و حساس الهی در میان ابیات خود، ارتباط خدا و انسان را به شکل نغز و دلنشین گنجانده‌اند که از عمیق‌ترین فرازهای آثارشان شده است. این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و به شیوه‌ای تطبیقی ارتباط خدا با انسان را در مصیبت نامه عطار نیشابوری و دیوان جامی مورد بررسی قرار داده است. هدف از این پژوهش بررسی ارتباط خدا با انسان بر اساس اصول اولیه انسانی یاوری، هدایت و عشق انجام شده است که نشان می‌دهد ارتباط خدا و انسان از دغدغه‌های مهم این دو عارف بوده و آنان راه‌ها و عوامل مختلفی برای تحقق آن ارائه داده‌اند؛ مهمترین نتایج به دست آمده از این پژوهش عبارت‌اند از این که آثار عطار و جامی سرشار از نمود ارتباط خدا و انسان است و این ارتباط گاه از زبان شاعر و گاه از زبان شخصیت‌های داستانی نقل می‌شود. بی‌پروایی و جسارت و صمیمیتی که در اشعار این دو وجود دارد به ابیات آنها عمق خاصی بخشیده که به خواننده احساس لطافت و اوج بندگی دست می‌دهد ضمن اینکه رابطه عاشقانه پروردگار عالیت‌ترین نوع رابطه بوده است.

¹ Zghezelsofla1986@gmail.com

² Shabany_akbar@yahoo.com

کلیدواژه: ارتباط، خدا، انسان، عطار، جامی.

Investigating the relationship between God and man in the tragedy of Attar and Haft Aurang Jami

Man, God and their relationship with each other is one of the most fundamental topics in mystical literature. Mystical poets, as the possessors of the gentle and sensitive divine spirit, have included the relationship between God and man in the form of grace and pleasantness, which has become one of the deepest phrases of their works. This study has examined the relationship between God and man in a library and in a comparative way in the tragedy of Attar Neyshabouri and Divan Jami. The purpose of this study is to investigate the relationship between God and man based on the basic human principles of help, guidance and love, which shows that the relationship between God and man is one of the important concerns of these two mystics and they offer different ways and factors to achieve it. In; The most important results This research includes the fact that the works of Attar and Jami are full of the relationship between God and man, and this relationship is sometimes quoted from the language of the poet and sometimes from the language of fictional characters. The recklessness, courage and intimacy that exist in the poems of these two have given a special depth to their verses that give the reader a feeling of tenderness and the peak of servitude, while the loving relationship of God has been the highest type of relationship.

Communication, God, Man, Attar, Jami.

1- مقدمه:

رابطه خدا و انسان در آثار نویسندگان و شاعران جایگاه ویژه ای دارد شهید مطهری معتقد است، «در اسلام همه چیز بر محور خدا دور میزند چه از نظر هدف بعثت انبیاء و چه از نظر هدف زندگی یک فرد... که مردم دعوت شده اند تا با خدا آشنا بشوند و پیغمبران حلقه اتصال اند میان مخلوق و خالق و رابط آیندواند» (مطهری، 1351، ص 12-13).

یونگ نیز در کتاب « روان شناسی و دین» به نوعی به این ارتباط اشاره می کند: «وقتی که گیلگامش در حماسه ی بابلی، با کبر و غرور فراوان خود، خدایان را احضار می کند، خدایان هم مردی را که از لحاظ نیرو با گیلگامش، برابری می کند، ابداع و خلق می کنند تا بدینوسیله به جاه طلبی کفرآلود این قهرمان پایان بدهند» (یونگ، 1370، ص 25)

همچنین جیمز در کتاب « دین و روان» نیز بر این باور است: «مردم مذهبی بطور کلی قبول دارند که هر واقعه و امری که

به زندگی آنها ارتباط دارد، به نظرشان انعکاسی از مشیت الهی است» (جیمز، 1387، ص 168).

«دستگاه بزرگی که همه نیروهای جهان و بل همه جهان نیرو ماده از اوست، آن دستگاهی که بشر آنرا گاهی بنام، دستگاه آفرینش، زمانی با اسم قوه ای ماوراء الطبیعه، عالم غیب دستگاه الوهیت، خدا می نامد؛ اگر کسی با آن آشنا شد، با آن ارتباط پیدا کرد، با آن معامله ایجاد نمود و از آن بهره مند شد، محال است که دیگر نیروئی، قدرتی، مقامی چیزهای دیگر او را بخود جلب کنند» (همان، 1387، ص الف)

محمدی ری شهری بر این باور است، «اگر دیده انسان حجاب نداشته باشد و موانع شناختهای عقلی و قلبی جلو دیده عقل و قلب را مسدود نکرده باشند، او به هر چیز که بنگرد خدا را مشاهده می کند. در آینه زمین، کوه، صحراء، دریا، درختان و در همه چیز، دیده بینا خدا را می بیند» (محمدی ری شهری، 1375، ص 83).

شاعران پارسی زبان نیز به این موضوع توجه ویژه ای داشته اند به عنوان نمونه عطار، حافظ و مولانا در آثارشان بارها به این ارتباط اشاره کرده اند.

مولانا اول و آخر جهان را پروردگار دانسته و بر این اعتقاد است که خدا از طریق همه ذرات هستی با انسان در ارتباط است:

ای دهنده عقل	تا نخواهی تو نخواهد هیچ
ها فریاد رس	کس
هم طلب از تست هم آن	ما کی ایم، اول تویی،
نیکویی	آخر تویی

(مولوی، 1379: 1438-1440/6)

عطار در مصیبت نامه خود به خوبی به این ارتباط اشاره می کند:

گفت: پیشت آمدم ای	تا بگویم من که می
رهنمای	گوید خدای
تو چه بد دیدی زما	جستـــسته ای
زین جایگاه	از ما بغیر ما
	پناه؟...

حبس نکنم، نه خدای
ذو الجلال!

در عتاب اینت اگر
من چند سال

(مصیبت نامه، بخش 37)

2- اهداف تحقیق:

رابطه ی انسان و خدا به عنوان یکی از محورهای مورد بحث در میان شاعران و نویسندگان بوده و تنها تفاوت موجود جهان بینی آنها مربوط به نقش و تأثیری که برای خدا و انسان در نظام هستی قائل اند، است.

هدف از انجام این تحقیق بررسی تطبیقی نمود ارتباط خدا و انسان از دیدگاه عطار و جامی بوده است تا بتوان با فهم و درک عمیق آن زمینه روابط معنوی را فرا روی بشر قرار داد تا با تمسک به آن قله های کمالات معنوی را فتح نموده و از گرداب های هولناک پوچ گرایی در امان مانده و با آگاهی به ارتباط خالق با او به مقابله با مشکلاتش برآید و از آنجا که شاعران ادب فارسی نگاه ویژه ای به این موضوع دارند برای پژوهنده نیز این موضوع همواره پر از جذبه بوده است که بدانند از نگاه عطار و جامی چه نوع ارتباطی برای خدا و انسان در نظر گرفته شده است و بی گمان هر اندازه ابعاد دیدگاه عارفان در این موضوع مشخص شود برای جامعه انسانی سودمند تر خواهد بود و راه را برای انسان هایی که از حقیقت خود و خدا فاصله گرفته اند هموار می سازد.

3- سوالات تحقیق:

هر پژوهشی در پی پاسخ دادن به سؤالات و فرضیات تحقیق پدید می آید که با جمع آوری مطالب و توصیف و تحلیل آنها درصدد پاسخ دهی به آنها است. در این جستار سؤالاتی پیرامون موضوع مطرح شده که عبارتاند از:

- رابطه میان خدا و انسان از دیدگاه عطار و جامی چگونه است؟
- اصلی ترین راه ارتباط پروردگار، در آثار دو شاعر کدام است؟
- خدای مورد اعتقاد دو عارف مورد مقایسه از چه وجوه و جنبه هایی برخوردار است؟
- انسان مطرح در آثار دو شاعر از چه جنبه و وجوهی مورد ارتباط قرار می گیرد؟

4- پیشینه تحقیق:

تاکنون در خصوص رابطه ی خدا با جهان و انسان مقالات زیادی به چاپ رسیده است که در ضمن این تحقیقات به دیدگاه عارفان هم اشاره شده است؛ از جمله ی این مقالات می توان به رابطه خدا و انسان در ادبیات خداشناسی و عرفانی با تأکید بر آثار مولوی (1391)، خدای وحدت وجودی و تصاویر برآمده از آن در آثار منظوم عطار (1398)، الگوی ارتباط وحیانی (1391)، نقش ابعاد اصلی شخصیت در نوع ارتباط با خدا (1393)، من و تو (1378)، ارتباط غیر زبانی میان خدا و انسان از توشیهو کو ایزوتسو (1348)، رابطه بین انسان و خدا از دید مولانا (1396)، رابطه خدا با انسان؛ تمثیل، تجسد یا تجلی؟ (1391) و (Popp, Luborsky, Andrusyna, Cotsonis, & Seligman, 2002). اشاره نمود.

در این بین آنچه مشهود است، عدم بررسی ارتباط خدا و انسان از سوی محققان، در اشعار شاعرانی همچون عطار و جامی به صورت تطبیقی است. لذا این پژوهش به بررسی این موضوع با طرح سوال پژوهشی چگونگی ارتباط خدا و انسان از دیدگاه عطار و جامی، می پردازد.

5- روش پژوهش:

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش از نوع کتابخانه ای به صورت توصیفی و تحلیل محتوایی است؛ بدین گونه که ابتدا با مطالعه اشعار این دو شاعر و سپس شروح آثارشان و استفاده از کتب و مجلات و نشریات و رساله های مطرح مرتبط با موضوع تحقیق در این زمینه استفاده شده است. مباحث موردنظر فیش برداری، سپس این فیش ها دسته بندی، به صورت موضوعی عنوان بندی و تجزیه و تحلیل شده که در نهایت به تدوین و نگارش مقاله پرداخته شد.

6- مبانی تحقیق

6-1- مفهوم کلمه ارتباط، خدا و انسان

مفهوم ارتباط در نوشتار حاضر، نسبت هستی شناختی میان خدا و انسان از یک سو و پیوند ناگسستنی میان آن دو از سوی دیگر است. مارتین بوبر در کتاب «من و تو» رابطه بین خدا و انسان را این گونه توضیح می دهد:

«این مسئله که شما به خدا بیش از هر چیز دیگر نیاز دارید همیشه مشغولیت ذهن شماست ولی آیا به راستی پروردگار در سرشاری ابدی خود به شما نیازمند است؟ اگر خدا به انسان

نیازمند نبود انسان چگونه می توانست به حیات خود ادامه دهد؟ شما برای بودن خود به خدا نیازمندید و خدا برای همه آنچه که مفهوم بودن شماست به شما نیازمند است... جهان ملعبه الهی نیست تقدیر الهی است... خلقت برما می گذرد. با ما یکی می شود ما را متحول و دگرگون می کند ما را شیفته و سرمست می سازد، آنگاه ما تسلیم می شویم در خلقت شرکت می کنیم با خلقت مواجه می شویم و خویشتن را به عنوان مددکار و همنشینان به او پیشکش می کنیم». (بوبر، 1398، ص 131)

سروش در کتاب «سنت و سکولاریزم» به بررسی خدا پرداخته است، مفهوم خدا یکی از مهمترین مقوله های حیات آدمی است. آدمی در تمام موقعیت ها، چه در تنهایی و یا بطن زندگی اجتماعی و چه به عنوان یک دین دار یا ملحد همواره با این مفهوم همواره رو به رو بوده است. این مفهوم ریشه در تفکر بشری داشته و تمدن ها، فرهنگها و ادیان مختلف متأثر از مفهوم خدا در تاریخ بشر به صحنه ظهور رسیده اند. (سروش، 1381) تیورای نیز در کتاب «دین شناسی تطبیقی» به این مفهوم اشاره داشته است و می گوید: خدا در اسلام تنها آفریننده و نابودکننده همه پدیده هاست. خدا همه جا حاضر است و اگر چه ویژگی های انسانی چون شنوایی، بینایی و ... در توصیف او به کار می رود، نباید او را به شکل انسان تصور کرد. ازلی و ابدی و در حال آفرینش است. جهان را آفریده و همواره در حال تغییر نگر می دارد. حضور خدا در هر نقطه از جهان احساس می شود. خدا وجودی اسرارآمیز است که به واسطه پیامبران خود را به انسان ها می شناساند. داور همه خوبی ها و بدی هاست. (تیورای، 1381 : 183-197).

توجه به انسان و مطالعه آن پدیده تازه ای نیست و تاریخی کهن دارد و از قدیم الایام مورد توجه مذاهب و مکاتب و فرهنگ های گوناگون بوده و کم تر عالم، ادیب، شاعر و عارفی را می توان یافت که به گونه ای به انسان نپرداخته باشد و با توجه به اینکه یک سوره از قرآن مجید یعنی سوره ی 76 به نام انسان نامگذاری شده، انسان در اسلام نیز از منزلت والایی برخوردار است و «در آیات بسیاری از قرآن کریم خدا متعال شرف و منزلت انسان را بیان می کند. در آیاتی نیز انسان از جانب پروردگار تکریم شده است.» (خرمشاهی، 1377 : 306)

عطار در فصل بیست و هشتم مصیبت نامه به انسان یا آدمی پرداخته است. سالک فکرت در منزل بیست و هشتم سفر خود به نزد آدمی می رود و با او گفتگو می کند:

هم کلام و رؤیت از کن فکان در قبضه
حضرت تراست قدرت تراست

(عطار، 1386: 348)

6-2- رابطه خدا با انسان

پروردگار با تمامی انسان‌ها در ارتباط است اما این ارتباط در مورد انسان‌های مختلف یکسان نیست بلکه به تناسب موقعیت و زمان هر فرد متفاوت است. این ارتباط و نظر ذات حق در اشعار عطار و جامی با آدمی یکسان نیست بلکه شرایط افراد در نوع ارتباط پروردگار با انسان نقش مستقیم دارد به طوری که ارتباط گاهی در قالب یآوری و یاری دهنده بودن خالق با انسان است و گاهی با عشق و گاهی خشم و یا از مجرای هدایت و بخشندگی، افراد مورد خطاب پروردگار قرار می‌گیرند.

6-3- یآوری و یاری دهنده

یکی از مفاهیم یافت شده در آثار عطار و جامی در ارتباط بین خدا و انسان مفهوم یآوری پروردگار در این ارتباط است. یاری دهنده به معنای مساعد، کمک کننده، دستیار، پایمرد، مددکار است. این یافته با نتایج مطالعه ای که توسط Popp, Luborsky, Andrusyna, Cotsonis, & Seligman, 2002 ()، انجام شد، همسو و مشابه است چرا که در آن مطالعه نیز مفهوم (Protective و Helpful) در ارتباط بین خدا و انسان، بود.

پروردگار حامی مظلومان است و نمی‌گذارد که احدی حق آنان را پایمال کند. در این تلقی پروردگار از راه های مختلفی زورگویان را به سزای اعمال بدشان می‌رساند و به خواسته های آرمانی مظلومان جامعه عمل می‌پوشاند. وقتی انسان خود را از مقابله با امرا و حاکمان زورگو ناتوان می‌بیند و نمی‌تواند در مقابل آنان از حق خود دفاع کند، برای تسلی خاطر خودش هم که شده، دست به آفرینش چنین انگاره هایی می‌زند. نمونه این نوع انگاره ها را در آثار عطار و جامی می‌بینیم. حکایت هایی که در آنها خدا حتی پادشاهان قدرتمند را به سختی کیفر می‌دهد. نمونه دیگری از این نوع تلقی آرمانی را در حکایتی از مصیبت نامه می‌بینیم. در آنجا می‌خوانیم که روزی عبدالله طاهر هنگام بازگشت از شکار بر پلی می‌گذشت، ناگاه پیر زالی از گوشه ای بیرون جست تا نامه ای به دست وی بدهد. این کار پیرزن باعث شد که اسب عبدالله برمد و کلاه او از سرش بیفتد. عبدالله سخت عصبانی شد و از او پرسید: «که هستی و اینجا چه می‌کنی؟» پیرزن شکایت نامه

ای به دستش داد و گفت که فرزندم در زندان تو اسیر است. ای امیر! لطف کن و او را از بند آزاد کن که از درد او جانم می سوزد و روزگارم سیاه شده است. به پیری و دل پیر سوز من رحم کن! اما امیر که بسیار خشمگین بود، سوگند خورد که فرزندش را آزاد نخواهد کرد تا جانش در حبس برآید. پیرزن با شنیدن این حرف آه و ناله اش به آسمان رفت و عبدالله را از پروردگاری ترساند که همه چیز به دست اوست و او بر هر کاری تواناست:

گر تو بر کاری خدا	قادر و داننده هر
هم نیز هست	چیز هست
من کنون با او	تو برو، من
گذارم کار خویش	نیز بردم بار خویش
تو در چون	بدر در
حق جهانداری بود	تو آمدن عاری
	بود
تن زدم، جان	تا تو بهتر
سوخته، رفتم ز جای	آیی اکنون یا خدای

(عطار، 1388: 18)

حرف های پیر زن که نشان دهنده سوز درونش هم بود، عبدالله را بشدت تحت تأثیر قرار داد و احوالش را دگرگون کرد. سپس، در حالی که اشک خونین می بارید، سوگند خورد که تا پسر پیرزن را از زندان آزاد نکنند و در همان جا مقابل چشمش به او تحویل ندهند، از پل نخواهد گذشت؛ و سرانجام، پسر را آزاد کردند و به مادرش تحویل دادند. عطار ادامه می دهد:

خلعتش بخشید و گفت	تا بگردانند در
آن سرفراز	شهرش، بناز
پس منادی می کنند از	کاین طلیق الله، آزاد
چپ و راست	خداست

(عطار، 1386: 118)

عطار، بعد از این ابیات می گوید که این کار علی رغم خواسته عبدالله و به خواست پروردگار انجام شد. اگر صبر کنی، پروردگار را نیکوتر از شاهان خواهی یافت.

شخصی از حضرت علی (ع) پرسید: «آیا به غیر از قرآن وحی دیگری وجود دارد؟»، حضرت پاسخ دادند که جز قرآن وحی دیگری نیست؛ ولی پروردگار به دوستان خود فهمی همانند وحی داد تا با آن یاری شوند:

گفت وحی نیست جز	دوستان را داد فهمی
قرآن ولیـــــــک	نیک نیک
تا بدان فهمی که	در کلام او سخن گویند
همچون وحی خاست	راست

(عطار، 1386: 57)

در همه کار	حق آنکه دوستدار
و بار یار منی	منی

(جامی، 1366: 250)

به غرض نیست	و فی الله است یاری ما
دوستداری ما	

(همان)

چه خوش وقتی و خرم	که یاری برخوردار از
روزگاری	وصل یاری
برافروزد	رهایی یابد از داغ
چراغ	جسـدایی
آشنایی	

(همان)

بحمدالله که دولت	زمانه ترک جان
یاریم کرد	آزاریم کرد

(همان)

6-4-عشق

از جمله مفاهیم دیگری که در این جستار به آن پرداختیم عشق خدا نسبت به بندگان خویش است. عشق به معنای «به حد افراط دوست داشتن، دوستی مفرط، محبت تام و شوق مفرط است.» (معین،

1382: 1591) مفهوم اصلی عشق از خود گذشتن، دیگران را بر خود ترجیح دادن، ایثار و شاد کردن است.

یافته های این مطالعه با یافته های مطالعات (Kapogiannis, Barbey, Su, Krueger, & Grafman, 2009; Kapogiannis, Barbey, Su, Zamboni, et al. 2003; Kendler et al. 2009)، همراستا و مشابه بود که در آن مطالعات نیز مفهوم (Love) در ارتباط بین خدا و انسان، بیان شده بود.

یونگ نیز در کتاب «روانشناسی و دین» معتقد است: «حقیقت عشق کمال قوانین است، زیرا شامل نجابت، نیکی، عدالت و ترحم است» (یونگ، 1370، ص 164)

جیمز در کتاب «دین و روان» معتقد است: «ما باید خداوند را همانند پدری بدانیم که در آسمان با نگاهی محبت آمیز ما را می نگرد» (کوربت، 1393: 11)

عشق تو رونق جهان	عشق روی تو پشت جان
بش_____کست	بش_____کست

(عطار، 1386: 56)

ما ز خرابات عشق مست	نام بلی چون بریم چون
الست آمدم	همه مست آمدم

(همان: 495)

عطار به صورت مستقیم بیان می دارد که این عشق از ازل در صندوقچه ی دل ما به امانت گذاشته شده است و انسان قبل از آن که پا به عالم هستی بگذارد عاشق معشوق بوده است.

خواستم تا پیش جانان پیشکش جان آورم
پیش دستی کرد عشق و جانم اندر بر بسوخت

(عطار، 1386: 18)

پیشگاه عشق بسی بالاتر و والاتر از این است که کسی با اختیار آن را به دست بیاورد. عشق یک موهبت الهی است که به هرکس بخواهند عنایت می کنند. عرفا گاهی این موهبت را مقدم بر صورت هستی پذیرفتن انسان در عالم مادی می دانند و گاهی آن را قضای آسمانی می دانند که «هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی». احمد غزالی می گوید: «روح چون از عدم بوجود

آمد بر سر حد وجود، عشق منتظر مرکب روح بود» (ارژنگ مدی،
1372: 44)

عشق جز بخشش خدایی
نیست
این به سلطانی و
گدایی نیست

(عطار، 1386: 95/125)

عشق و قفست
بر دل پر درد
وقف در شرع ما
بهای نیست

(همان: 125)

پروردگار انسان را بر اساس عشق آفرید و هیچ مخلوق دیگری
جز آدم نمی تواند در راه عشق جای پای پروردگار بگذارد:

عشق چون خاصیت
انسان بود
گرملک عاشق شود
انس آن بود

(عطار، 1386: 96)

جامی نیز در آثار منظوم خویش از میان همه مباحث عرفانی
هرجا فرصت یافته، از عشق تمجید نموده است. او عشق را
موهبتی ازلی می داند که شرف آدمی وابسته بدان است. به
همین لحاظ، نگارنده معتقد است که شاید عشق از نظر جامی
همان امانتی است که انسان آن را پذیرفت و دیگران از قبولش
امتناع ورزیدند. عشق است که باعث شد خدا در وجود انسان
چنان ظرفیتی ببیند که او را مظهر تمام اسما و صفات خویش
گرداند. جامی برای عشق جایگاهی ویژه قایل است و خمیر مایه
ی حیات موجودات را از گوهر عشق دانسته است:

چون صبح ازل ز
عشق دم زد
عشق آتش شوق
در قلم زد
از لوح عدم قلم
سر افراشت
هستند افلاک
زاده ی عشق
ارکــــــــــــان به
زمین فتاده عشق

(جامی، 1366: 757)

افراد بسیاری مست جام عشق پروردگارند ولی گام اول عاشقی، با استناد به آیه 54 سوره مائده از سوی خدا برداشته شده است:

گفت شیخا	کهر جام هوای او
جماعتی هستند	مستند
اول او دوست داشت	بس به دل مهر کاشت
ایشان را	ایشان را
نکنی	که بخوانی فسوف
فهم این سخن الّا	یاتنی الّا
ه بقوم	بونه ای حبیب گشته
یحیهم	محب
و یحب	
گرنه	کی بود دوستداری
دوستداریت ز	تو درست؟
نخست	

(جامی، 1366: 250)

جامی معتقد است که عشق فیض الهی است که خاص انسان است نه فرشتگان:

ملایک را چه سود از	چو فیض عشق بر آدم
حسن طاعت	فرو ریخت

(جامی، 1366: 324)

جامی بر این باور است که عشق انسان به پروردگار، سایه ای از عشق او به آدمی است:

عشق او تخم عشق ما	خواستگاری نخست از
و شماست	وی خاست

(همان: 250)

6-5-خشم، عصبانیت و تنبیه

از مضامین دیگر در آثار عطار و جامی، خشم، عصبانیت و تنبیه است؛ خشم در لغت نامه دهخدا به معنای غضب، غیظ، قهر، سخط، برآشفتگی ذکر شده است. یافته های این مضمون با یافته های مطالعات (Kapogiannis, Barbey, Su, Krueger, & Grafman, 2009;

مشابه بود. در آن مطالعات نیز مفهوم (Anger و Punish)، بیان شده بود. (Kapogiannis, Barbey, Su, Zamboni, et al. 2009; Kendler et al. 2003)، همسو و

گفت حق می گوید این از کجا می خورد تا
کافر مدام اکنون طعام؟ ...

(عطار، 1385: 597)

ورکنی برپای قهرت مضطرم
صد نثار لطف ریزی بر سرم
خوف اگر یک عقبه بنمایی مرا
از رجا صد عقده بگشایی مرا

(عطار، 1385: 293)

در حکایت سه از مقالات هفتم مصیبت نامه ناظر ظلم پادشاهی هستیم که خانه پیری را ویران می کند و خدا به دعای پیر دردمند، شاه را در قصرش هلاک می سازد:

گفت گر اینجا نبودم ای اله
تو نبودی نیز هم این جایگاه؟
حق تعالی کرد آن شه را هلاک
در سرای خود فروبردش به خاک

(عطار، 1385: 2037)

خوف اگر یک عقبه بنمایی مرا
از رجا صد عقده بگشایی مرا

(عطار، 1385: 14)

صد هزاران ساله طاعت کردنی
طوق لعنت می کند در گردنی

(عطار، 1385: 3)

پروردگار متعال وقتی با خشم و غضب خود با انسان برخورد می کند باز هم صد چراغ از لطف در روبه روی او قرار می دهد:

از عذاب خویش	درس زاری زود
اگر بیم دهی	تعلیم دهی
ور رهی تاریک	صد چراغ از لطف خویش
پیش آری مرا	آری مرا

(عطار، 1385: 18)

عالمی بود که شب و روز به آموختن علم و طاعت حق مشغول بود. خدا به پیامبر زمانش وحی فرستاد تا به او بگوید چون دنیا دوستی، علم تو اثری ندارد و جای تو جز دوزخ سوزنده من نیست:

چون تو دنیا دوستی حق ذره ای	از تو نپذیرد چه باشی غره ای
چون ز دل دنیات دور افکنده نیست	جای تو جز دوزخ سوزنده نیست
صد جهان با علم و با معنی به هم	دوزخ آرد بار دنیا به هم

(عطار، 1385: 146)

درباره ی تضاد اسما و صفات جلالیه و جمالیه ی خدا باید گفت که هر لطف حق تعالی همراه با قهر اوست و هر قهرش با لطف. عارفان و عاشقان درگاهش از خوف و رجا و قبض و بسط لحظه ای در امان نیستند، هر خوفی آبستن لطفی و هر رجایی در پی دارنده ی خوفی است:

بر تو کس نیست آمر و ناهی	همه آن می کنی که می خواهی
نه عطای ترا خطا مانع	نه بسطی را دافع

(جامی، 1366: 6)

جامی خشم خدا با بندگان را در نظام هستی همواره محسوس دانسته و حتی خشم پروردگار را در جهان دیگر را نیز توصیف کرده است:

گفت آن روز که از	پرده شان بسته شود
ظلمت خشم	بر دل و چشم
دانــــــــــــش و	پشــــــــــــت
بینشان کم گردد	دینداریشان خم گردد

(همان: 101)

جامی در هفت اورنگ به خشم پروردگار مستقیماً اشاره می کند که چنانچه خدا با خشم با بندگان برخورد کند آنها کلاً از صفحه هستی محو می گردند:

چو بر بقعه ای	ازان رگ بجنبانم
خشم گیرد خدای	آن را ز جای
به یک لحظه زیر	ز بنیــــــــــــاد
و زبر سازمش	هستی بر اندازمش

(همان: 51)

6-6- هدایت کننده

از مضامین دیگری که در این مطالعه یافت شد، کنترل و هدایت کننده بودن پروردگار بود. هدایت در لغت به معنی ارشاد و راهنمایی از روی لطف و خیرخواهی است. راغب اصفهانی در کتاب «مفردات» می گوید: «هدایت در لغت به معنی ارشاد، راهنمایی و نشان دادن راه با لطف و مدارا و مهربانی است.» (راغب: 1404) این مضمون با یافته های مطالعات (Kay, Gaucher, 2010; McGregor, & Nash, 2010; Krause, 2010)، مشابهت داشت و در آن جستار نیز مفهوم (Control)، ذکر شده بود.

آدمی از زمان خلقت تا زمان مرگ همواره در ارتباط با خدا بوده است. انسان بعد از خلقت و آمدن به عالم خاک به خود واگذاشته نمی شود بلکه پروردگار همواره ناظر بر تمام مسائل زندگی اوست و در قالب هدایت با انسان ارتباط دارد. جامی به حاکمیت مطلق پروردگار باور دارد؛ وی بر این اعتقاد است که پروردگار هدایتی عامه و فراگیر دارد و این حاکمیت با دخالت چیزی از بین نمی رود. این نوع ارتباط با مخلوق که

ناشی از هدایت همیشگی وی به خالق است یکی از صور مشخص از رابطه عامل و معمول است.

پروردگار در محنت و بلا نیز به انسان یاری و تعلیم می دهد که با چشم دل، برکات پوشیده در محنت و بلا را مشاهده کند:

شکر چیست؟ از خار جزو را نادیده، کل
گل پنداشتن پنداشستن

(عطار، 1386: 41)

جذبه ای بود از کفر بگریخت و هدایت
عنایت در رسید در رسید

(همان: 63)

پیغمبر اکرم فرمود: پروردگار فرشتگان را آفرید و در سرشت آنها تنها عقل را نهاد، حیوانات را آفرید و در سرشت آنها تنها شهوت را نهاد، انسان را آفرید و در سرشت او هم عقل را نهاد و هم شهوت را (مطهری، 1361) که عطار عقل دینی که مورد ستایش او بوده و به نوعی راهنمای انسان از طرف خداست اشاره می کند:

عقل را قل باید و امر خدای
تا شود هم رهبر و هم رهنمای

(عطار، 1385: 861)

از دیدگاه جامی هدایت پروردگار نشان دهنده نوعی ارتباط همیشگی است که هیچ تغییری در آن نیست و هیچ خللی بر آن وارد نمی گردد. پروردگار با این حکم ازلی ارتباط خویش را با انسان منقطع نکرده و آدمی با توسل به این دستاویز خویشتن را از هر گونه تقدیر رها ساخته است.

جامی معتقد است گاهی پروردگار از طریق انسان های کامل به هدایت انسان می آید:

جد او مصدر از چنان مصدري
هدایت حق شده مشتق

(جامی، 1366: 155)

برق هدایت ز شعله برافروخت
سحاب کرم علم بر علم

(همان: 19)

و جامی در هفتاورنگ خود به مناجات پروردگار پرداخته و به
ارتباط پروردگار از طریق هدایت اشاره می‌کند:

گر چه جامی بود	چه ش—ود گر به طفیل
از بی‌خبران	دگران
بخشی از هستی	بندی از طاعت خویش کمری
خویش خبری	
در دل—ش تخم	بر گلش ابر
هدایت کاری	ع—ایت باری

(همان: 21)

6-7-بخش‌اینده

از مفاهیم دیگر یافت شده در ارتباط بین انسان و خدا می‌توان
به مفهوم بخش‌اینده بودن اشاره کرد. بخشنده بودن در فرهنگ
معین به معنای عفو کننده و رحم کننده است. این مضمون همسو
با یافته‌های مطالعات (Krause, 2010 و Froese & Bader, 2007) هست و
در آن مطالعات ارتباط بین انسان و پروردگار (Forgive)، کشف
گردید.

رحمت و مهربانی پروردگار شامل حال تمام بندگان و موجودات
می‌شود او رحمان و رحیم است و بندگان پرهیزگارش را بسیار
دوست دارد و رحمت عام او، حتی شامل خطاکاران نیز می‌شود و
در صورتی که توبه کنند، پروردگار تمام گناهان آن‌ها را
می‌بخشد؛ خدا ذات مقدسی که صاحب رحمت و بخشش فراگیر است
بر بندگان از مؤمن و کافر و روزی دهنده ایشان است، رحمت
وسیع او همه موجودات را فراگرفته. رحمان و رحیم هر یک صفت
مشبهه برگرفته از رحم هستند. معنای رحمان، بخشش عام
پروردگار است، اما لفظش از اسماء خاصه حق است؛ یعنی هیچ
موجودی جز پروردگار به این لفظ نامیده نمی‌شود. رحمان، نام
خالق بلندمرتبه است.

گر چه هست از بخشش	هیچ بخشش نیست چون
آسایشی	بخشایشی

(عطار، 1385: 20)

باز روح از لطف وز بخشش زود میکائیل را سر
که داشت برافراشت

(همان: 40)

عطار در مصیبتنامه از زبان برخی که در طلب باران دست به دعا برداشته به ارتباط پروردگار از طریق بخشایش اشاره می‌کند:

آن همه دریای بخشش می نبخشی می نریزی
کان تراست آن کجاست

(همان: 3)

که از کـ____نه
ب_____محض گرچه کوه البرزم
کرم بیامرزم

(جامی، 1366: 250)

حول و قوت ز فضل گل حکمت ز باغ
حــق بینی حــق چینی
بخشش محض بر تو جاری شده ز
بینی اش ز خدا وهب عطا

(همان: 96)

جامی پروردگار را بخشایشگر دانسته و به انتظار بخشایش گناهکاران اشاره می‌کند:

آمده ام با همه منتظر بخشش و
آلایشی بخشایشی

(همان: 12)

بنده جامی که در چشم بر بخشش و بخشایش
افزایش توست توست

گر
نبشای
ایوای بر او

در
کرمش ساکن دار

بخششی ورز و
بخشای بر او

از
سختش ایمن دار

(همان: 54)

7- نتیجه‌گیری:

ارتباط خدا و انسان در آثار عطار و جامی، مفاهیم بسیار مهمی که در جهان هستی نمود دارد، مشهود است که از آن جمله می‌توان به مفاهیم یاری‌دهنده و محافظت‌کننده بودن، عشق، خشم، عصبانیت و تنبیه، کنترل و هدایت‌کننده و بخشاینده بودن را ذکر نمود که می‌توان در راستای پیشرفت معرفت و شناخت به ذات هستی از این مضامین بهره‌مند شد.

به‌طورکلی ساختاری که عطار و جامی آن را برای ارتباط پروردگار با آدمی تبیین کردند نشان‌دهنده میزان عشق خالق نسبت به مخلوق و سیلانیت ارتباط آدمی با پروردگار در تمام لحظات زندگی‌اش است.

منابع

بوهر، مارتین (1398)، من و تو، ترجمه ابو تراب سهراب، تهران: فرزانه روز.

تیواری، کدانات، (1381)، دین‌شناسی تطبیقی، ترجمه مرضیه شنکایی، ویرایش علمی بهزاد سالکی، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.

جامی، عبدالرحمن (1366). مثنوی هفت‌آورنگ، تصحیح مدرس گیلانی، تهران: سعدی، چاپ دوم.

جیمز، ویلیام (1387). دین و روان، ترجمه مهدی قائینی. قم: دارالفکر

خرمشاهی، بهاء‌الدین (1377). حافظنامه، تهران: انتشارات سروش، چاپ چهارم.

الراغب الاصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد. (1404 ه.ق). المفردات فی غریب القرآن. دفتر نشر الکتاب.

سروش، عبدالکریم، (1381)، سنت و سکولاریزم، تهران: صراط.

عطار نیشابوری، فریدالدین محمد (1386). مصیبت‌نامه، مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن، ج 2، چاپ سوم

عطار نیشابوری، فریدالدین محمد، (1388)، مصیبت‌نامه، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ پنجم، تهران: سخن.

صارمی، سهیلا (1373)، مصطلحات عرفانی و مفاهیم برجسته در زبان عطار، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کوربت، لیونل (1393)، روان‌درمانی مذهبی، مترجمین سیامک خدا رحیمی و دیگران، چاپ اول، تهران: آراد کتاب.

محمدی ری‌شهری، محمد (1375)، مبانی خداشناسی، چاپ اول، قم: دارالحدیث.

مدی، ارژنگ (1372). عشق در ادب فارسی از آغاز تا قرن ششم، چاپ دوم، قم: موسسه تحقیقات و البحوث الثقافیه.

مطهری، مرتضی (1351)، هدف زندگی، چاپ اول؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.

مطهری، مرتضی. (1361). گفتارهای معنوی. تهران: صدرا.

مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی (1379)، مثنوی معنوی، به سعی و اهتمام رین ولد نیکلسون، تهران: ثالث و همای.

یونگ، کارل گوستاو (1370)، روان‌شناسی و دین، ترجمه دکتر محمدحسین سروری؛ تهران: سخن.

مقالات:

ایزوتسو، توشیهوکو (1348)، ارتباط غیرزبانی میان خدا و انسان، معارف اسلامی، شماره 8، صص 51-62.

پژوهنده، لیل (1391). رابطه خدا و انسان در ادبیات خداشناسی و عرفانی با تأکید بر آثار مولوی، نشریه ادب پژوهی، شماره 22، صص 97-124.

زرگران، ایمان (1398). خدای وحدت وجودی و تصاویر برآمده از آن در آثار منظوم عطار، مجله علمی شعر پژوهی، دانشگاه شیراز، شماره سوم، سال یازدهم، صفحات 19-42.

علم مهرجردی، نسرين (1391). رابطه خدا با انسان؛ تمثیل، تجسد یا تجلی؟، دوره 9، شماره 28، صص 5-30.

غزازی، الهام (1396). رابطه بین انسان و خدا از دید مولانا، اسفار، سال سوم، شماره 6، صص 111-132.

صادقی، منصوره السادات (1393). نقش ابعاد اصلی شخصیت در نوع ارتباط با خدا، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، شماره 15، صص 103-126.

لطفی، سید مهدی (1391)، الگوهای ارتباط وحیانی، مجله علمی پژوهشی الهیات تطبیقی، شماره 7، صص 79-100.

Froese, P. & Bader, C. D. (2007). God in America: Why theology is not simply the concern of philosophers. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 46, .465-481

Kapogiannis, D. Barbey A. K. Su, M. Krueger, F. & Grafman, J. (2009). Neuroanatomical variability of religiosity. *PLoS ONE*, 4(9), e7180. . doi:10.1371/journal.pone.0007180

Kapogiannis, D. Barbey, A. K. Su, M. Zamboni, G. Krueger, F. & Grafman, J. (2009). Cognitive and neural foundations of religious belief. *Proceedings of the National Academy of Sciences of the U.S.A.* 106, 4876-4881

Kay, A. C. Gaucher, D. McGregor, I. & Nash, K. (2010). Religious belief as compensatory control. *Personality and Social Psychology Review*, 14, 37-48

Krause, N. (2010). God-mediated control and change in self-related health. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 20, 267-287

Popp, C. A. Luborsky, L. Andrusyna, T. P. Cotsonis, G. & Seligman, D. (2002). Relationships between God and people in the Bible: A core conflictual relationship theme study of the Pentateuch/Torah. *Psychiatry: Interpersonal and Biological Processes*, 65, 179-196

WEINGARTEN, Carol P. et al. Relationships between God and people: an interpersonal study of scriptures. *International Journal for the Psychology of Religion*, 2014, 24.2: 133-150